

دانلود جزوه متون اسلامی

[برای دانلود جزوه اینجا کلیک کنید](#)

حالت سوم حيازت آب مباح که قانون آن را بيان نکرده برداشتن آب از جایی است.
نحوه استفاده از آب های مباح:

ماده ۱۵۵ قانون مدنی: هر کس حق دائلود جزوه متون اسلامی از نهرهای مباحه اراضی خود را مشروب کند یا برای زمین و آسیاب و سایر حوائج خود از آن نهر جدا کند.

اگر آب به قدر کافی باشد که همه بتوانند از آن استفاده کنند مشکلی نیست در غیر این صورت قانون مدنی احکامی پیش‌بینی کرده که چه کسانی در استفاده از این آب اولویت دارند (ماده ۱۵۶)

ماده ۱۵۶ قانون مدنی: هر گاه آب نهر کافی نباشد که تمام اراضی اطراف آن مشروب شود و مابین صاحبه آن اراضی در تقدم و تاخر اختلاف شود و هیچ یک نتواند حق تقدم خود را ثابت کند با رعایت ترتیب هر زمینی که به آب نزدیک تر است به قدر حاجت حق تقدم بر زمین پایین‌تر خواهد داشت.

ماده ۱۵۸ قانون مدنی: هر گاه تاریخ احیاء اراضی اطراف رودخانه مختلف باشد زمینی که احیاء آن مقدم بوده است در آب نیز مقدم می شود بر زمین متاخر در احیاء اگر چه پایین‌تر از آن باشد.

ماده ۱۵۹ قانون مدنی: هر گاه کسی بخواهد جدیداً زمینی در اطراف رودخانه احیاء کند اگر آب رودخانه زیاد باشد و برای صاحبان اراضی سابقه تزییقی نباشد میتواند از آب رودخانه زمین جدید را مشروب کند و الا حق بردن آب ندارد اگر چه زمین او بالاتر از سایر اراضی باشد.

پس اگر توافق کنند طبق همان توافق عمل می شود اگر توافقی نبود تاریخ احیاء زمین مد نظر قرار می گیرد در غیر این صورت زمینی که نزدیک تر است مقدم است. این قوانین منسوخ شده اند و امروزه کارایی ندارند. امروزه یا توافق بین آنها به عمل می آید یا تعاونی دائلود جزوه متون اسلامی ایجاد می شود که میراب دارند و صاحبان زمین می توانند از این میراب ها به شکل نوبتی استفاده کنند.

ماده ۱۵۷: هر گاه دو زمین در دو طرف نهر محاذی هم واقع شوند و حق تقدم یکی بر دیگری محرز نباشد و هر دو در یک زمان بخواهند آب ببرند و آب کافی برای هر دو نباشد باید برای تقدم و تاخر در بردن آب به نسبت حصه قرعه زده و اگر آب کافی برای هر دو باشد به نسبت حصه تقسیم می کنند.

حیازت آب های مباح برای جایی که چندین نفر با هم نهری درست کنند و مالک مشاعی آن شوند کاربرد دارد. در این صورت طبق ماده ۱۵۸ چند نفر در کندن چاه شریک شوند به نسبت عمل و مخارجی که موجب تفاوت عمل باشد و مالک آن می‌شوند و به همان نسبت بین آنها تقسیم می شود. در واقع نسبت به کار و هزینه شریک هستند. اگر هزینه یکسان بود سهم متون اسلامی برابر است اما اگر اینگونه نبود به نسبت کار سهم می برند هر که کار بیشتری انجام دهد سهم بیشتری میبرد. اگر کسی بخواهد در این مال مشاع تصرف کند نیازمند رضایت همه اعضا است.

ماده ۱۵۱ قانون مدنی: یکی از شرکاء نمیتواند از مجرای مشترک مجرائی جدا کند یا دهنه نهر را وسیع یا تنگ کند یا روی آن پل یا آسیاب بسازد یا اطراف آن درخت بکارد یا هر نحو تصرفی کند مگر به اذن سایر شرکاء.
اموال مشاع تقسیم می‌شوند و این تقسیم احراز و مالی که با تقسیم به شخص می‌رسد می شود مفروض نهر را نیز می توان تقسیم کرد.

ماده ۱۵۲ قانون مدنی: اگر نصیب مفروض یکی از شرکاء از آب نهر مشترک داخل مجرای مختصی آن شخص شود آن آب ملک مخصوص آن میشود و هر نحو تصرفی در آن میتواند بکند.

ماده ۱۵۳ قانون مدنی: هر گاه نهری مشترک ما بین جماعتی باشد و در مقدار نصیب هر یک از آنها اختلاف شود حکم به تساوی نصیب آنها میشود مگر اینکه دلیلی بر زیادتی نصیب بعضی از دائلود جزوه متون اسلامی موجود باشد.
درواقع اگر مقدار سهم هر داردنده مشخص نباشد اصل بر تساوی است. این اصل اختصاص به نهر ندارد و حتی در مورد دیون و تعهدات هم صادق است.

ماده 157 قانون مدنی: هر گاه دو زمین در دو طرف نهر محاذی هم واقع شوند و حق تقدم یکی بر دیگری محرز نباشد و هر دو در یک زمان بخواهند آب ببرند و آب کافی برای هر دو نباشد باید برای تقدم و تاخر در بردن آب به نسبت حصه قرعه زده و اگر آب کافی برای هر دو باشد به نسبت حصه تقسیم میکنند.

حیازت مباحات در حقوق امروز: قانونی تحت عنوان قانون آب در سال 1347 تصویب شد که آب را از دسته مباحات خارج کرد و آن را در اختیار دولت قرار داد تا در جهت حفظ و تحقق منافع عمومی از آن استفاده کند و بیان کرد آب جزو اموال و ثروت های عمومی کشور است و در اختیار وزارت برق و آب قرار دارد. قانون بعدی که بعد از انقلاب تصویب شد قانون توضیح عادلانه آب بود که مصوب سال 1363 است. آیین نامه اجرائی این قانون همه آب های زیر زمینی و سطحی ایران را شامل می شد و بیان میکرد تمام این ها تحت کنترل حاکم جامعه اسلامی است.

امروزه آب مباح نداریم به جز آب باران که هر فردی می تواند آن را قبل از تبدیل به برکه و سیلاب جمع آوری و استفاده کند. قانون دیگر در زمینه آب قانون تعیین تکلیف آب چاه های فاقد بهره برداری است.

معادن: ماده 161 قانون مدنی: معدنی که در زمین کسی واقع شده باشد ملک صاحب زمین است و استخراج آن تابع قوانین مخصوصه خواهد بود.

این ماده معادن را جزو مباحات دانسته است. معادن نیز انواع مختلفی دارند همانگونه که در گذشته بیان کردیم طبق اصل 45 قانون اساسی در حال حاضر معادن جزو ثروت های عمومی هستند که در اختیار دولت قرار دارند. قانونی تحت عنوان قانون معادن مصوب سال 1377 داریم که این قانون در دهه نود اصلاح شد. این قانون معادن را به دسته های مختلف تقسیم کرده است. همچنین اجازه بهره برداری از معادن توسط دولت داده می شود.

دفینه: ممکن است عتیقه باشد یا نباشد. قانون مدنی این دو دسته را یکی دانسته ولی در حال حاضر اینگونه نیست.

دفینه هایی که عتیقه نیستند: ماده 173 قانون مدنی بیان می کند دفینه مالی است که در زمین یا بنایی دفن شده و برحسب اتفاق و تصادف پیدا می شود.

اگر مالک معلوم باشد دفینه به مالک تعلق دارد دانلود جزوه متون اسلامی اگر مالک معلوم نباشد قانون مدنی آن را جزو مباحات دانسته است و در این باره چند فرض وجود دارد.

1) فردی دفینه ای در مل خود پیدا کند در این صورت مالک می تواند آن را به عنوان مال مباح تملک کند.

2) در زمین مباح کشف شده باشد. کسی که دفینه را پیدا کند دفینه برای او است. البته امروزه زمین مباح نداریم و این فرض منتهی است

3) دفینه در ملک دیگری پیدا شود که در این صورت اگر فرد ادعای مالکیت داشته باشد برای اوست وگرنه برای شخصی است که آن را پیدا کرده. (مواد 173 تا 178 قانون مدنی)

دانلود رایگان خلاصه کتاب pdf دانلود جزوه متون اسلامی

ماده 173 قانون مدنی: دفینه مالی است که در زمین یا بنایی دفن شده و بر حسب اتفاق و تصادف پیدا میشود.

حالا اگر این کشف به شکل اتفاقی نباشد و کسی عمدا به دنبال آن رود آنگاه چه حکمی دارد؟ مشکلی ندارد زیرا این ماده مخالف ندارد اما اگر طرف با وجود علم و آگاهی این کار را انجام دهد در صورتی که برای خود بخواهد به خودش تعلق دارد اما اگر از طرف کسی دیگر برای این کار اجیر شده دفینه به اجیر کننده تعلق دارد.

اعراض: صرف نظر کردن از مالکیت است که موجب می شود چیزی جزو مباحات قرار گیرد. بعد از تصویب قانون مدنی مقررات دفینه تغییر کرد و در حال حاضر دفینه ها جزو اموال تاریخی هستند.

در مورد اموال عتیقه چند قانون داریم: نظامنامه حفظ آثار عتیقه/لایحه قانون راجع به جلوگیری از اعمال متون اسلامی غیر مجاز و کاوش برای به دست آوردن اشیا عتیقه

قانون 1309 و 1311 میگفت اشیا عتیقه اشیایی هستند که تا پایان دوره زندیه ساخته شده باشند